



پیش‌ها و پانچ‌ها

پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصوبه‌ها شیخ محمد صالح المنجد حفظه الله تعالى

موضوع:

۱. عقاید؛ شناخت ایمان و کفر؛ کفر و مراتب آن
۲. احکام؛ حدود و تعزیرات

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

پرسش

نویسنده: حمید

تاریخ: ۱۳۹۵/۶/۱۴

حکم مرتد از دین و توهین کننده به پیامبران و ائمه‌ی اهل بیت علیهم السلام از نظر آقای خراسانی چیست؟ لطفاً با استناد به آیات و روایات مربوط توضیح دهید.

پاسخ

تاریخ: ۱۳۹۵/۶/۱۹

درباره‌ی «مرتد» دو مسأله‌ی بنیادین مطرح است: موضوع مرتد و حکم او، با این تقریر که مرتد چه کسی است و چه حکمی دارد؟

۱. موضوع مرتد

حضرت علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی در کتاب شریف «بازگشت به اسلام»، مبحث «شناخت مرتد»^۱ و «شناخت منافق»^۲ اصل نظر خود درباره‌ی موضوع مرتد را تبیین فرموده است. مطابق با نظر این بزرگوار، «مرتد» در اصطلاح به کسی گفته می‌شود که از اسلام خارج شده است، ولی «تنها کسانی از اسلام خارج شمرده می‌شوند که به خروج خود از اسلام علم دارند و اقرار می‌کنند؛ مانند کسانی که خداوند درباره‌ی آنان فرموده است: ﴿شَاهِدِينَ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ بِالْكَفْرِ﴾^۳؛ <در حالی که گواهی دهندگان بر خودشان به کفر هستند> و فرموده است: ﴿وَشَهِدُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ أَنَّهُمْ كَانُوا كَافِرِينَ﴾^۴؛ <و بر خودشان گواهی دادند که آنان کافر بودند>!». به عبارت دیگر، «مرتد کافری است که به کفر خود بعد از اسلام، اقرار دارد» و با این وصف، کسی که خود را مسلمان می‌شمارد، حتی اگر مانند کافران سخن بگوید یا عمل کند، «مرتد» شمرده نمی‌شود،

۱. ص ۱۸۹

۲. ص ۱۸۹

۳. التوبة / ۱۷

۴. الأنعام / ۱۳۰

نه به این معنا که در واقع «مرتد» نیست، بل به این معنا که در ظاهر حکم «مرتد» بر او جریان نمی‌یابد. بنابراین، کسی که بر خلاف ضروریات اسلام سخن می‌گوید یا عمل می‌کند، در واقع «کافر» است، ولی تا هنگامی که شهادتین را بر زبان می‌راند، مسلمان شمرده می‌شود و تبعاً جان و مال او در امان است؛ چنانکه در کتاب خداوند آمده است: **﴿وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ أَلْفَىٰ إِلَيْكُمْ السَّلَامَ لَسْتَ مُؤْمِنًا﴾**^۱؛ «و به کسی که برای شما اظهار اسلام می‌کند نگوئید که مؤمن نیستی» و در روایات متواتر آمده است که هر کس شهادتین را بر زبان می‌راند، مسلمان شمرده می‌شود و حسابش با خداوند است.^۲ از اینجا دانسته می‌شود که تکفیر مسلمانان به سبب عقاید یا اعمال آنان - هر چند بسیار نادرست باشد - وجهی ندارد، ولی اگر عقیده یا عمل کسی از آنان مستلزم انکار یکی از ضروریات اسلام باشد، می‌توان او را «منافق» دانست و ضروریات اسلام - بنا بر مبنای حضرت علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی در کتاب شریف «بازگشت به اسلام»^۳ -، عقاید و احکامی هستند که بودن آنها از اسلام بنا بر صریح کتاب خداوند ثابت است؛ مانند نبودن فرزندى برای خداوند و جسمانی بودن معاد و وجود نعمت‌ها در بهشت و عذاب‌ها در جهنم و خاتمیت محمد صلی الله علیه و آله و سلم در نبوت و کلام خداوند بودن قرآن و قبله بودن مسجد الحرام و وجود جنّ و شیطان و ملائکه و جبرئیل و میکائیل و طهارت مریم علیها السلام از چیزی که به او نسبت داده شده است و عروج مسیح علیه السلام و مصلوب نشدن او و وجوب پیروی از سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و نماز و زکات و حج و جهاد و روزه‌ی ماه رمضان و امر به معروف و نهی از منکر و مودت اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و ولایت مؤمنین و برائت از مشرکین و مشروعیّت قصاص و حرمت سحر و زنا و لواط و قمار و سرقت و شرب خمر و نکاح با محارم و قتل نفس مگر به حق و اطاعت از ظالمان مگر از روی تقیّه و خوردن خون و مردار و گوشت خوک و حیوانی که با نام خداوند ذبح نشده است و مانند آن، با توجه به اینکه همه‌ی آنها با صراحت در کتاب خداوند آمده‌اند و می‌توان منکر یکی از آنها را منکر ضروری اسلام و در صورت اقرار به کفر «مرتد» و در صورت ادّعی مسلمانان «منافق» دانست. البته «منافق» هرگاه اصل یگانگی خداوند یا نبوت پیامبرش را انکار کند یا به یکی از آن دو اهانت روا دارد، «مرتد» محسوب می‌شود؛ چراکه انکار اصل یگانگی خداوند یا نبوت پیامبرش و اهانت به یکی از آن دو، با شهادتین قابل جمع نیست و از این رو، «زندیقان» که خود را مسلمان می‌شمارند و در عین حال، اصل یگانگی خداوند یا نبوت پیامبرش را انکار می‌کنند، در حکم «مرتد» هستند.

۱. النساء / ۹۴

۲. نگاه کنید به: مسند الشافعی، ص ۱۶۹؛ مصنف عبد الرزاق، ج ۶، ص ۶۷؛ سنن سعید بن منصور، ج ۲، ص ۳۲۲؛ مصنف ابن ابی شیبّه، ج ۶، ص ۵۷۶؛ مسند أحمد، ج ۱، ص ۱۱، ج ۳، ص ۳۰۰؛ صحیح البخاری، ج ۱، ص ۱۲؛ صحیح مسلم، ج ۱، ص ۳۹؛ سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۲۹۵؛ سنن الترمذی، ج ۴، ص ۱۱۷؛ سنن النسائی، ج ۷، ص ۸۰ و منابع فراوان دیگر.

۳. ص ۴۳

۲. حکم مرتد

حضرت علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی در کتاب شریف «بازگشت به اسلام»، مبحث «شناخت منافق»^۱ اصل نظر خود درباره‌ی حکم مرتد را تبیین فرموده است. مطابق با نظر این بزرگوار، «مرتد» به معنای کسی که «به کفر خود بعد از اسلام، اقرار دارد» کشته می‌شود و این حکمی است که میان مسلمانان درباره‌ی آن اختلافی نیست؛ جز اینکه بیشتر آنان مانند حنفیان، شافعیان، مالکیان و سایر اهل سنت کشتن او را پس از استتابه (دعوت به توبه در مهلتی سه روزه) جایز دانسته‌اند و برخی از آنان مانند امامیه استتابه را مخصوص به مرتدی دانسته‌اند که از پدر و مادر کافر متولد شده است، در حالی که حضرت علامه حفظه الله تعالی کشتن او در هر یک از دو حال را در صورت صلاحدید خلیفه‌ی خداوند در زمین جایز شمرده و فرموده است: «کشتن او به این عنوان، پیش یا پس از استتابه، بسته به صلاحدید خلیفه‌ی خداوند در زمین، جایز است» و این از یک سو به دلیل اخبار متواتری است که بر جواز کشتن مرتد به نحو مطلق و جواز استتابه‌ی او به نحو مطلق دلالت دارند و از سوی دیگر به دلیل آن است که کشتن مرتد یک سیاست اسلامی برای حفظ دین و دفع فتنه و جلوگیری از ایجاد رخنه در صفوف مسلمانان است و این از شوون خلیفه‌ی خداوند در زمین شمرده می‌شود.

اما حکم مرتد پیش از هر چیز مبتنی بر کتاب خداوند است؛ چراکه کتاب خداوند اکیداً از بازگشت به کفر پس از اسلام بر حذر داشته و به عنوان نمونه فرموده است: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَطِيعُوا قَرِيبًا مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ يَرُدُّوكُمْ بَعْدَ إِيمَانِكُمْ كَافِرِينَ ۝ وَكَيْفَ تَكْفُرُونَ وَأَنْتُمْ تُتْلَىٰ عَلَيْكُمْ آيَاتُ اللَّهِ وَفِيكُمْ رَسُولُهُ ۗ وَمَنْ يَعْتَصِم بِاللَّهِ فَقَدْ هُدِيَ إِلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ۝ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ﴾^۲؛ «ای کسانی که ایمان آوردید! اگر از برخی کسانی که کتاب داده شدند پیروی کنید شما را پس از ایمانتان کافر می‌گردانند و چگونه کافر می‌شوید در حالی که آیات خداوند بر شما خوانده می‌شود و در میانتان پیامبر اوست؟! و هر کس به خداوند تمسک جوید به راهی راست رهنمون شده است. ای کسانی که ایمان آوردید! از خداوند پروا کنید و نمیرید مگر در حالی که مسلمان هستید» و فرموده است: ﴿وَدَّ كَثِيرٌ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَوْ يَرُدُّوكُمْ مِّنْ بَعْدِ إِيمَانِكُمْ كُفَّارًا حَسَدًا مِّنْ عِنْدِ أَنْفُسِهِمْ مِّنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْحَقُّ﴾^۳؛ «بسیاری از اهل کتاب دوست می‌دارند که شما را بعد از ایمانتان کافر گردانند از روی حسادتی که در خود دارند بعد از اینکه حق برایشان آشکار شد» و فرموده است: ﴿وَقَالَتْ طَائِفَةٌ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ آمِنُوا بِالَّذِي أُنزِلَ عَلَىٰ الَّذِينَ آمَنُوا وَجَهِ النَّهَارِ وَاکْفُرُوا آخِرَهُ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ﴾^۴؛ «و شماری از اهل کتاب گفتند

۱. ص ۱۸۹

۲. آل عمران / ۱۰۰-۱۰۲

۳. البقرة / ۱۰۹

۴. آل عمران / ۷۲

به چیزی که بر مؤمنان نازل شده است در آغاز روز ایمان آوردید و در پایان آن کافر شوید تا شاید آنان (از دین خود) برگردند» و فرموده است: **﴿وَلَا يَزَالُونَ يَقَاتِلُونَكُمْ حَتَّى يَزِدُّوكُمْ عَنْ دِينِكُمْ إِنَّ اسْتِطَاعُوا وَمَنْ يَزِدْكُمْ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَيمُتْ وَهُوَ كَافِرٌ فَأُولَئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ﴾**؛ «و آنان همواره با شما خواهند جنگید تا آن گاه که شما را از دین تان برگردانند اگر بتوانند و هر کس از شما از دینش برگردد، پس بمیرد در حالی که کافر است، آن‌ها اعمالشان در دنیا و آخرت نابود می‌شود و آن‌ها یاران آتشدن و در آن جاودان خواهند بود» و فرموده است: **﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَزِدْكُمْ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٍ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ﴾**؛ «ای کسانی که ایمان آوردید! هر کس از شما از دینش مرتد شود به زودی خداوند گروهی را می‌آورد که آنان را دوست می‌دارد و آنان او را دوست می‌دارند، با مؤمنان فروتن و با کافران سختگیرند، در راه خداوند جهاد می‌کنند و از ملامت ملامتگری نمی‌هراسند» و فرموده است: **﴿يَوْمَ تَبْيَضُّ وُجُوهٌ وَتَسْوَدُّ وُجُوهٌ فَأَمَّا الَّذِينَ اسْوَدَّتْ وُجُوهُهُمْ أَكَفَرْتُمْ بَعْدَ إِيمَانِكُمْ فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ﴾**؛ «روزی که روی‌هایی سپید و روی‌هایی سیاه می‌شود، پس اما کسانی که روی‌هایشان سیاه می‌شود آیا بعد از ایمانتان کافر شدید؟! پس عذاب را بچشید به سبب اینکه کفر می‌ورزیدید» و فرموده است: **﴿ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ آمَنُوا ثُمَّ كَفَرُوا فَطُبِعَ عَلَى قُلُوبِهِمْ فَهُمْ لَا يَفْقَهُونَ﴾**؛ «این به سبب آن است که آنان ایمان آوردند و سپس کافر شدند، پس بر دل‌هایشان مهر نهاده شد، پس آنان در نمی‌یابند» و فرموده است: **﴿وَدُّوا لَوْ تَكْفُرُونَ كَمَا كَفَرُوا فَتَكُونُونَ سَوَاءً فَلَا تَتَّخِذُوا مِنْهُمْ أَوْلِيَاءَ حَتَّى يُهَاجِرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَحَدِّثُوهُمْ وَاقْتُلُوهُمْ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ﴾**؛ «آرزو می‌کنند که ای کاش شما هم کافر می‌شدید همان طور که آنان کافر شدند، پس با هم یکسان می‌بودید، پس از آنان دوستانی نگیرید تا آن گاه که در راه خداوند هجرت کنند، پس اگر روی برتافتند آنان را در هر جایی که یافتید بگیرید و بکشید» و این «گرفتن و کشتن»، از مصادیق «عذابی دردناک در دنیا» است که برای مرتدین در صورت روی گرداندنشان از توبه مقرر داشته و فرموده است: **﴿يُحْلِفُونَ بِاللَّهِ مَا قَالُوا وَلَقَدْ قَالُوا كَلِمَةَ الْكُفْرِ وَكَفَرُوا بَعْدَ إِسْلَامِهِمْ وَهَمُّوا بِمَا لَمْ يَنَالُوا وَمَا نَعَمُوا إِلَّا أَنْ أَغْنَاهُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ مِنْ فَضْلِهِ فَإِنْ يَتُوبُوا يَكُ خَيْرًا لَهُمْ وَإِنْ يَتَوَلَّوْا يُعَذِّبُهُمُ اللَّهُ عَذَابًا أَلِيمًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمَا لَهُمْ فِي الْأَرْضِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ﴾**؛ «به خداوند سوگند می‌خورند که نگفتند، در حالی که کلمه‌ی کفر را گفتند و پس از اسلامشان کافر شدند و به چیزی اقدام کردند که به آن دست نیافتند

۱. البقرة / ۲۱۷

۲. المائدة / ۵۴

۳. آل عمران / ۱۰۶

۴. المنافقون / ۳

۵. النساء / ۸۹

۶. التوبة / ۷۴

و انتقام نگرفتند مگر از اینکه خداوند و پیامبرش آنان را از فضل خود بی‌نیاز کرد، پس اگر توبه کنند برایشان بهتر است و اگر (از توبه) روی گردانند خداوند آنان را در دنیا و آخرت عذابی دردناک می‌کند و برای آنان در زمین هیچ سرپرست یا پشتیبانی نیست»، با توجه به اینکه در جایی دیگر «قتل» را از مصادیق «عذاب در دنیا» دانسته و فرموده است: **﴿قَاتِلُوهُمْ يُعَذِّبَهُمُ اللَّهُ بِأَيْدِيكُمْ﴾**؛ «با آنان به قتل کوشید که خداوند آنان را با دستان شما عذاب کند»؛ همچنانکه مجازاتی مانند رجم را «عذاب» نامیده و فرموده است: **﴿وَيَذَرُهَا الْعَذَابُ أَنْ تَشْهَدَ أَرْبَعَ شَهَادَاتٍ بِاللَّهِ إِنَّهُ لَمَنْ الْكَافِرِينَ﴾**؛ «و عذاب را از زن دور می‌کند اینکه چهار بار خدا را گواه گیرد که مرد از دروغگویان است» و این حکمی است که روایات متواتر در میان فریقین بر آن تأکید کرده‌اند؛ چنانکه از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم روایت شده است که فرمود: **«لَا يُجِلُّ دَمَ امْرِيٍّ مُسْلِمٍ إِلَّا إِحْدَى ثَلَاثَةٍ: رَجُلٌ قَتَلَ فُقَيْلًا أَوْ رَجُلٌ زَنَى بَعْدَ مَا أُحْصِنَ أَوْ رَجُلٌ أَزْتَدَّ بَعْدَ إِسْلَامِهِ»**؛^۳ «خون مرد مسلمان را جز یکی از سه چیز حلال نمی‌کند: مردی که مرتکب قتل شود پس کشته شود یا مردی که بعد از احسان زنا کند یا مردی که بعد از اسلام مرتد شود» و از علی بن ابی طالب روایت شده است که وقتی مستورد عجلی مرتد شد اسلام را بر او عرضه کرد، پس چون نپذیرفت گردن او را زد و میراثش را به ورثه‌ی مسلمانش داد^۴ و از ابو جعفر باقر روایت شده است که فرمود: **«مَنْ رَغِبَ عَنِ الْإِسْلَامِ وَكَفَرَ بِمَا أَنْزَلَ عَلَى مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ بَعْدَ إِسْلَامِهِ فَلَا تَوْبَةَ لَهُ وَقَدْ وَجَبَ قَتْلُهُ وَبَانَتْ مِنْهُ امْرَأَتُهُ وَيُقَسِّمُ مَا تَرَكَ عَلَى وُلْدِهِ»**؛^۵ «هر کس بعد از مسلمانی از اسلام روی گرداند و به چیزی که بر محمد صلی الله علیه و آله و سلم نازل شده است کافر شود، توبه‌ای برای او نیست و کشتن او واجب است و زنش از او جدا می‌شود و ترکه‌اش میان فرزندانش قسمت می‌شود» و از جعفر بن محمد صادق روایت شده است که فرمود: **«كُلُّ مُسْلِمٍ بَيْنَ مُسْلِمَيْنِ أَزْتَدَّ عَنِ الْإِسْلَامِ وَجَحَدَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ نُبُوتَهُ وَكَذَّبَهُ فَإِنَّ دَمَهُ مَبَاحٌ لِمَنْ سَمِعَ ذَلِكَ مِنْهُ وَامْرَأَتُهُ بَائِنَةٌ مِنْهُ يَوْمَ أَزْتَدَّ وَيُقَسِّمُ مَالَهُ عَلَى وَرَثَتِهِ وَتَعْتَدُ امْرَأَتُهُ عِدَّةَ الْمَتَوَفَى عَنْهَا زَوْجَهَا وَعَلَى الْإِمَامِ أَنْ يَقْتُلَهُ إِنْ أَتَوْهُ بِهِ وَلَا يَسْتَتِيبُهُ»**؛^۶ «هر مرد مسلمانی میان دو (پدر و مادر) مسلمان که از اسلام مرتد شود و پیامبری رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را انکار کند و آن حضرت را تکذیب نماید، خونسش برای هر کسی که آن را از او می‌شنود مباح است و زنش از او در روزی که مرتد شده است جدا می‌شود و مالش میان ورثه‌اش تقسیم می‌شود و زنش عده‌ی وفات نگاه می‌دارد و بر امام واجب است که او را

۱. التوبة / ۱۴

۲. التور / ۸

۳. مسند أحمد، ج ۶، ص ۲۰۵؛ صحیح البخاری، ج ۸، ص ۴۳؛ صحیح مسلم، ج ۵، ص ۱۰۶؛ سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۸۴۷؛ سنن أبي داود، ج ۲، ص ۳۲۷؛ سنن الترمذی، ج ۲، ص ۴۵۰

۴. نگاه کنید به: مصنف عبد الرزاق، ج ۱۰، ص ۱۷۰؛ سنن سعید بن منصور، ج ۱، ص ۱۰۱؛ الکافی للکلینی، ج ۷، ص ۲۵۶؛ من لا یحضره الفقیه لابن بابویه، ج ۳، ص ۱۵۲؛ الإستبصار للطوسی، ج ۴، ص ۲۵۳.

۵. الکافی للکلینی، ج ۶، ص ۱۷۴؛ الإستبصار للطوسی، ج ۴، ص ۲۵۲

۶. الکافی للکلینی، ج ۶، ص ۱۷۴؛ من لا یحضره الفقیه لابن بابویه، ج ۳، ص ۱۴۹؛ الإستبصار للطوسی، ج ۴، ص ۲۵۳

اگر به نزدش آوردند بکشد و استتابه نکند» و در روایتی دیگر از آن حضرت و از پدرش رسیده است که فرمودند: «يُسْتَتَابُ فَإِنْ تَابَ وَإِلَّا قُتِلَ وَالْمَرْأَةُ إِذَا ارْتَدَّتْ عَنِ الْإِسْلَامِ اسْتُتِيِبَتْ فَإِنْ تَابَتْ وَرَجَعَتْ وَإِلَّا خُلِدَتْ فِي السِّجْنِ وَضِيَّقَ عَلَيْهَا فِي حَبْسِهَا»^۱؛ «او استتابه می‌شود، پس اگر توبه کرد (که هیچ) وگرنه کشته می‌شود و زن هرگاه از اسلام مرتد شود استتابه می‌شود و اگر بازگشت (که هیچ) وگرنه تا ابد زندانی می‌شود و در حبس بر او سخت گرفته می‌شود» و از سایر اهل بیت نیز روایاتی با این مضمون رسیده است که ذکر همه‌ی آنها در اینجا به درازا می‌انجامد و از برخی صحابه و تابعین نیز روایاتی با این مضمون رسیده است، تا جایی که تردیدی در ثبوت آن باقی نمی‌ماند و با این وصف، حکم مرتد در هر حال اعدام است، ولی خلیفه‌ی خداوند در زمین مخیر است که او را استتابه کند یا بدون استتابه اعدام فرماید؛ چنانکه یکی از یارانمان ما را خبر داد، گفت:

«قُلْتُ لِلْمَنْصُورِ: مَتَى يَرْتَدُّ الْمُسْلِمُ؟ قَالَ: إِذَا شَهِدَ عَلَى نَفْسِهِ بِالْكُفْرِ! قُلْتُ: أَرَأَيْتَ الَّذِي يَدْعُو وَلِيًّا أَوْ قَبْرًا أَوْ يَنْدُرُ لِغَيْرِ اللَّهِ وَلَا يَشْهَدُ عَلَى نَفْسِهِ بِالْكُفْرِ؟ قَالَ: لَا يَرْتَدُّ حَتَّى يَشْهَدَ، إِنَّ اللَّهَ يَقُولُ: ﴿شَاهِدِينَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ بِالْكُفْرِ﴾^۲! قُلْتُ: فَإِنْ شَهِدَ فَيُقْتَلُ حَتْمًا أَوْ يُسْتَتَابُ؟ قَالَ: ذَاكَ إِلَى الْإِمَامِ، إِنْ شَاءَ قَتَلَهُ وَإِنْ شَاءَ اسْتَتَابَهُ! قُلْتُ: أَوْ خَلَدَهُ فِي السِّجْنِ؟ قَالَ: هَذَا اسْتِتَابَةٌ وَقَتْلٌ»^۳؛ «به منصور گفتم: مسلمان چه هنگامی مرتد می‌شود؟ فرمود: هنگامی که بر ضدّ خودش به کفر شهادت دهد! گفتم: نظرتان درباره‌ی کسی که ولیّی یا قبری را می‌خواند یا برای غیر خداوند نذر می‌کند و بر ضدّ خودش به کفر شهادت نمی‌دهد چیست؟ فرمود: مرتد نمی‌شود تا آن گاه که (بر ضدّ خودش به کفر) شهادت دهد، هرآینه خداوند می‌فرماید: <در حالی که بر ضدّ خودشان به کفر شهادت می‌دهند!> گفتم: پس اگر بر ضدّ خودش به کفر شهادت دهد، حتماً کشته می‌شود یا استتابه می‌شود؟ فرمود: آن با امام است، اگر بخواهد او را می‌کشد و اگر بخواهد او را استتابه می‌کند! گفتم: یا او را تا ابد به زندان می‌اندازد؟ فرمود: این (هم) استتابه و قتل است».

اما آیا توبه‌ی مرتد -هرگاه اعدام او تعیین یافته باشد- در درگاه خداوند پذیرفته است؟

نظر بسیاری از عالمان این است که پذیرفته نیست، ولی نظر علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی آن است که توبه‌ی چنین کسی با سه شرط در درگاه خداوند پذیرفته است:

أ. علاوه بر ارتداد، جرم دیگری در پیوند با آن مرتکب نشده و مثلاً مسلمان دیگری را به کفر داخل نکرده باشد یا در صورت ارتکاب، آن را جبران کرده باشد و این به دلیل سخن خداوند است که فرموده است: «كَيْفَ يَهْدِي اللَّهُ قَوْمًا كَفَرُوا بَعْدَ إِيمَانِهِمْ وَشَهِدُوا أَنَّ الرَّسُولَ حَقٌّ وَجَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ»^۴

۱. الکافی للکلینی، ج ۷، ص ۲۵۶؛ الإستبصار للطوسی، ج ۴، ص ۲۵۳

۲. التوبة / ۱۷

۳. گفتار ۹۵، فقره ۱



وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ ﴿١٠٠﴾ أُولَئِكَ جزاؤهم أَنْ عَلَيْهِمْ لَعْنَةُ اللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ ﴿١٠١﴾ خَالِدِينَ فِيهَا لَا يُخَفَّفُ عَنْهُمْ الْعَذَابُ وَلَا هُمْ يُنظَرُونَ ﴿١٠٢﴾ إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ وَأَصْلَحُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿١٠٣﴾ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بَعْدَ إِيمَانِهِمْ ثُمَّ أَزْدَادُوا كُفْرًا لَنْ تُقْبَلَ تَوْبَتُهُمْ وَأُولَئِكَ هُمُ الضَّالُّونَ ﴿١٠٤﴾؛

«چگونه خداوند گروهی را هدایت کند که بعد از ایمانشان کافر شدند؟ در حالی که شهادت دادند پیامبر حق است و دلایل روشن برایشان آمد و خداوند گروه ظالمان را هدایت نمی‌کند! آنان سزایشان این است که لعنت خداوند و فرشتگان و مردم همگی بر آنان است، برای همیشه در آن خواهند بود، عذاب از آنان تخفیف داده نمی‌شود و به آنان مهلت داده نمی‌شود، مگر کسانی که پس از آن توبه کنند و اصلاح نمایند؛ چراکه خداوند آمرزنده‌ای مهربان است! هرآینه کسانی که بعد از ایمانشان کافر شدند و سپس بر کفر افزودند، هرگز توبه‌ی شان پذیرفته نمی‌شود و آنان همانا گمراهانند» و فرموده است: ﴿إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا ثُمَّ كَفَرُوا ثُمَّ آمَنُوا ثُمَّ كَفَرُوا ثُمَّ أَزْدَادُوا كُفْرًا لَمْ يَكُنِ اللَّهُ لِيُغْفِرْ لَهُمْ وَلَا لِيَهْدِيَهُمْ سَبِيلًا﴾^۲؛ «هرآینه کسانی که ایمان آوردند و سپس کافر شدند و سپس ایمان آوردند و سپس کافر شدند و سپس بر کفر افزودند، خداوند کسی نیست که آنان را بیمارزد و یا به آنان راهی را نشان دهد».

ب. پیش از آغاز مراسم إعدام و مشاهده‌ی ابزار آن توبه کند؛ چراکه توبه‌ی او در مراسم إعدام و پس از مشاهده‌ی برق شمشیر، پذیرفته نیست و این به دلیل سخن خداوند است که فرموده است: ﴿إِنَّمَا التَّوْبَةُ عَلَى اللَّهِ لِلَّذِينَ يَسُوؤْنَ بِجَهَالَةٍ ثُمَّ يَتُوبُونَ مِنْ قَرِيبٍ فَأُولَئِكَ يَتُوبُ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا ﴿١٠٥﴾ وَلَيْسَتِ التَّوْبَةُ لِلَّذِينَ يَعْمَلُونَ السَّيِّئَاتِ حَتَّىٰ إِذَا حَضَرَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ إِنِّي تُبْتُ الْآنَ وَلَا الَّذِينَ يَمُوتُونَ وَهُمْ كُفَرَاءٌ أُولَئِكَ أَعْتَدْنَا لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا﴾^۳؛ «(پذیرش) توبه از جانب خداوند تنها برای کسانی است که کار بد را از روی نادانی انجام می‌دهند و سپس به زودی توبه می‌کنند، آنان هستند که خداوند توبه‌ی شان را می‌پذیرد و خداوند دانایی حکیم است و توبه برای کسانی نیست که بدی‌ها را انجام می‌دهند تا آن گاه که یکی از آنان را مرگ حاضر می‌شود، می‌گوید من الآن توبه می‌کنم و نه کسانی که می‌میرند در حالی که کافر هستند، آنان برایشان عذابی دردناک فراهم کرده‌ایم».

ج. از مجازات نگریزد، بلکه خود را برای إعدام تسلیم کند؛ چراکه توبه‌ی او با مرگ پذیرفته می‌شود؛ چنانکه یکی از یارانمان ما را خبر داد، گفت:

«سَمِعْتُ الْمَنْصُورَ يَقُولُ: تَوْبَةُ الْمُرْتَدِّ أَنْ يُقْتَلَ! أَمَا سَمِعْتَ قَوْلَ مُوسَىٰ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِقَوْمِهِ: يَا قَوْمِ إِنَّكُمْ ظَلَمْتُمْ أَنْفُسَكُمْ بِاتِّخَاذِكُمْ الْعِجْلَ فَتُوبُوا إِلَىٰ بَارئِكُمْ فَاقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ ذَلِكَ خَيْرٌ لَكُمْ عِنْدَ بَارئِكُمْ فَتَابَ عَلَيْكُمْ إِنَّهُ هُوَ التَّوَابُ الرَّحِيمُ﴾^۴؛ «شنیدم منصور می‌فرماید:

۱. آل عمران / ۸۶-۹۰
۲. النساء / ۱۳۷
۳. النساء / ۱۷ و ۱۸
۴. البقرة / ۵۴
۵. گفتار ۹۵، فقره‌ی ۲

پاسخ به پرسش فرعی ۱

تاریخ: ۱۳۹۷/۳/۲۸

کشتن مرتد با اختیار او منافی نیست؛ چراکه اختیار او جنبه‌ی تکوینی دارد و کشتن او جنبه‌ی تشریحی. بنابراین، او با اختیار خود مرتد می‌شود، در حالی که می‌تواند مرتد نشود و می‌داند که در صورت ارتداد، کشته می‌شود؛ همچنانکه قاتل با اختیار خود مرتکب قتل می‌شود، در حالی که می‌تواند مرتکب قتل نشود و می‌داند که در صورت قتل، قصاص می‌شود و سارق با اختیار خود مرتکب سرقت می‌شود، در حالی که می‌تواند مرتکب سرقت نشود و می‌داند که در صورت سرقت، قطع دست می‌شود و هر مجرم دیگری با اختیار خود مرتکب جرم می‌شود، در حالی که می‌تواند مرتکب جرم نشود و می‌داند که در صورت جرم، مجازات می‌شود. بنابراین، اختیار انسان از حیث تکوینی، با جبر او از حیث تشریحی منافات ندارد؛ چراکه اختیار او از حیث تکوینی و جبر او از حیث تشریحی، لازم و ملزوم یکدیگرند و برای امتحان و تکامل او ضرورت دارند. از اینجا دانسته می‌شود که اختیار انسان، به معنای عدم مسؤولیت او نیست، بل به معنای این است که او می‌تواند هر کاری دوست دارد -چه خوب و چه بد- انجام دهد و سپس مسؤولیت آن را بر عهده بگیرد و پیامدش را بپذیرد؛ وگرنه هر مجرمی می‌توانست بگوید که اختیار دارد و مسؤول جرم خود نیست و کسی نباید او را مجازات کند، در حالی که همه‌ی عاقلان نادرستی این سخن را درک می‌کنند و بر ضرورت مجازات مجرم اتفاق دارند. حاصل آنکه منافی انگاشتن مجازات مرتد با اختیار او، مصداقی از منافی انگاشتن مجازات مجرم با اختیار اوست که از خلط میان تشریح و تکوین و نادیده گرفتن مسؤولیت انسان برخاسته و شدیداً تحت تأثیر جهان‌بینی الحادی و انسان‌محوری فردگرایانه در غرب است.

پرسش فرعی ۲

نویسنده: محمد جوادی

تاریخ: ۱۳۹۸/۴/۱۷

قصد جسارت ندارم، صرفاً سوالی است که برایم پیش آمده است. مطلبی از سایت شما دیدم در مورد اعدام مرتد. اساساً چرا ارتداد در اسلام جرم است؟ و چرا مجازات اعدام؟! یا توبه‌ی آن اعدام باشد؟ آیا هر کس تحقیق و بررسی و فکر کرد لزوماً باید به آن نتیجه‌ای برسد که شما رسیده‌اید؟ و اگر به نتیجه‌ای متفاوت رسید منحرف است و باید اعدام شود؟ اگر فردی که پدر و مادری مسلمان داشته لزوماً باید همان راه را ادامه دهد و حق تغییر مسیر ندارد؟ به نظر شما این مجازات اعدام باعث به وجود آمدن افراد دو رو و منافق نمی‌شود؟ چه عیبی دارد مانند اروپا هر کس آزادانه عقاید و باورهای خود را انتخاب کند یا تغییر دهد و همچنین علنی مطرح کند و هر کس آنچه حق می‌یابد را بپذیرد؟ در این صورت افراد منافق کمتر نخواهند بود؟ اگر حاکمیت اسلامی به حقانیت اسلام باور دارد پس چه باکی است که اجازه دهد مخالفانش آشکارا عقاید خود را ابراز کنند و مسلمانان نیز رو در رو و آشکارا برتری نظر خود را اثبات کنند؟ مگر نمی‌گویید که انسان باید مسئولیت و

تبعات انتخاب خودش را بپذیرد، چرا باید فرد مرتد اعدام شود در صورتی که به خودش ظلم کرده و در آخرت هم مجازات می‌شود؟ عده‌ای به دلیل این قبیل عقاید و احکام، اسلام را دینی خطرناک می‌دانند و نپذیرفتن آن را بر پذیرفتنش ترجیح می‌دهند. از صبوری شما تشکر می‌کنم.

پاسخ به پرسشی فرعی ۲

تاریخ: ۱۳۹۸/۴/۲۱

متأسفانه جناب عالی تحت تأثیر تبلیغات انسان‌گرایان سکولار و ملحد هستید که میان دین و لباسی که هر کس با سلیقه‌ی خود انتخاب و سپس تبدیل می‌کند فرقی نمی‌شناسند. بنا بر جهان‌بینی توحیدی، انسان از قیودی آزاد است که غیر خداوند برای او تعیین کرده است، نه قیودی که خداوند برای او تعیین کرده است؛ زیرا او بدون تقید به قیودی که خداوند برایش تعیین کرده است سر به طغیان بر می‌دارد و خود و جهان را به تباهی می‌کشانند. بنا بر جهان‌بینی توحیدی، انسان تنها بنده‌ی خداوند است و تا هنگامی ارزش دارد که در برابر خداوند تسلیم باشد؛ چراکه در غیر این صورت، فرقی با حیوانات ندارد، بلکه از حیوانات پست‌تر است؛ چنانکه فرموده است: **﴿أَمْ تَحْسَبُ أَنَّ أَكْثَرَهُمْ يَسْمَعُونَ أَوْ يَعْقِلُونَ إِنْ هُمْ إِلَّا كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ سَبِيلًا﴾**؛ «یا می‌پنداری که بیشتر آنان گوش می‌سپارند یا تعقل می‌کنند؟! آنان جز مانند چهارپایان نیستند، بلکه آنان گمراه‌ترند». بنا بر جهان‌بینی توحیدی، ارزش انسان، به رنگ، نژاد، ثروت یا قدرت او نیست، بلکه به ایمان اوست و با این وصف، انسانی که ایمان خود را از دست داده، بی‌ارزش‌ترین جانور است؛ چنانکه فرموده است: **﴿إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الَّذِينَ كَفَرُوا فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ﴾**؛ «هرآینه بدترین جانوران نزد خداوند کسانی هستند که کافر شدند و ایمان نمی‌آورند». این از آن روست که کفر ناشی از تعقل نیست، بلکه ناشی از تجاهل است؛ چراکه تعقل با وجود آیات آشکار خداوند و معجزات فراوان پیامبر، هرگز به انکار خداوند یا پیامبر او نمی‌انجامد؛ چنانکه فرموده است: **﴿وَمَثَلُ الَّذِينَ كَفَرُوا كَمَثَلِ الَّذِي يَنْعِقُ بِمَا لَا يَسْمَعُ إِلَّا دُعَاءً وَنِدَاءً صُمُّ بِكُمْ عُمِّي فَهُمْ لَا يَعْقِلُونَ﴾**؛ «مثل کسانی که کافر شدند مانند این است که حیوانی را صدا بزنی که جز آواز و ندایی نمی‌شنود، کر و کور و لالند، پس آنان تعقل نمی‌کنند». وانگهی کفر یک نظر شخصی بی‌اثر و بی‌اهمیت نیست، بل یک اقدام اجتماعی است که سبک زندگی را تغییر می‌دهد و آثار هولناک فرهنگی و سیاسی دارد و حتی نظم طبیعت را بر هم می‌زند و از این رو، نزد خداوند بزرگ‌ترین جرم محسوب می‌شود؛ جرمی سنگین و نابخشودنی؛ چنانکه فرموده است: **﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا بَعِيدًا﴾**؛ «خداوند نمی‌بخشد که برای او شریک گرفته شود و جز آن را برای هر کس که می‌خواهد می‌بخشد و

۱. الفرقان / ۴۴
۲. الأنفال / ۵۵
۳. البقرة / ۱۷۱
۴. النساء / ۱۱۶

هر کس برای خداوند شریک بگیرد، هرآینه به گمراهی دوری دچار شده است». به راستی کدام جرم بزرگ‌تر از پشت کردن انسان به خداوند و پیامبرانش و روی آوردن او به شیطان و فرزندانش؟! بیهوده نیست که در جهان بینی توحیدی، مردم به دو دسته‌ی مؤمن و کافر تقسیم می‌شوند؛ چنانکه فرموده است: **﴿هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ فَمِنْكُمْ كَافِرٌ وَمِنْكُمْ مُؤْمِنٌ﴾**^۱؛ «او کسی است که شما را آفرید، پس دسته‌ای از شما کافر هستند و دسته‌ای از شما مؤمن» و میان این دو دسته، نهایت عداوت برقرار است؛ چنانکه فرموده است: **﴿قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ إِذْ قَالُوا لِقَوْمِهِمْ إِنَّا بُرَاءُ مِنْكُمْ وَمِمَّا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ كَفَرْنَا بِكُمْ وَبَدَا بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةُ وَالْبَغْضَاءُ أَبَدًا حَتَّى تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَحَدَهُ﴾**^۲؛ «بی‌گمان برای شما الگویی نیکو در ابراهیم و کسانی است که با او بودند هنگامی که به قومشان گفتند ما از شما و از چیزی که جز خداوند می‌پرستید بیزاریم، به شما کافر شدیم و میان ما و شما برای همیشه دشمنی و کینه پدیدار شد تا آنکه به خداوند یگانه ایمان آورید». بنابراین، مؤمنان هیچ‌گاه کافران را دوست نمی‌دارند، بلکه از آنان بیزار و متنفرند؛ چراکه آنان با کفرشان بزرگ‌ترین ظلم را به خود و دیگران کرده‌اند و بیشترین آسیب را به جهان رسانده‌اند و به تضعیف جبهه‌ی خداوند و تقویت جبهه‌ی شیطان پرداخته‌اند و در این میان، جرم مرتدّان سنگین‌تر است؛ چراکه آنان از صفوف خودی به صفوف دشمن پیوسته‌اند و با این کار، به مؤمنان خیانت کرده‌اند و به دین ضربه زده‌اند. عجیب است که جناب‌عالی چنین جرم عظیم با چنین تبعات مخرب‌ی را حقّ انسان می‌پندارید و معتقدید که خداوند حقّ مجازات او را ندارد!

اما اینکه برخی اسلام را دینی خطرناک می‌پندارند، طبیعی است؛ چراکه اسلام برای دشمنان خداوند بسیار خطرناک است، در حالی که رحمتی بی‌پایان و محبتی بی‌دریغ را نصیب دوستان خداوند می‌کند. هر چند باب توبه را برای دشمنان خداوند نیز باز گذاشته و عفو یا تخفیف مجازات آنان را ممکن دانسته؛ همچنانکه به همه‌ی شبهات آنان با حکمت، موعظه‌ی حسنه و جدال احسن پاسخ داده و حجّتی برایشان باقی نگذاشته است. وانگهی این رویکرد، خاصّ اسلام نیست، بلکه در سایر ادیان الهی نیز وجود دارد؛ چنانکه به عنوان نمونه، در تورات آمده است: «هر که نام خداوند را کفر گوید باید حتماً کشته شود؛ تمام جماعت باید او را سنگسار کنند. هرگاه کسی نام مقدس را کفر گوید باید کشته شود، خواه غریب و خواه بومی»^۳ و آمده است: «اگر برادرِ تنی تو یا پسر تو یا دخترت یا زنی که هم‌آغوشِ توست یا رفیقت که همچون جان خویش عزیزش می‌داری، تو را در نهان فریفته سازد و بگوید: «بیا تا رفته، خدایان غیر را عبادت کنیم» که نه شما آن‌ها را می‌شناسید و نه پدران‌تان، از خدایان اقوامی که اطراف شمایند، خواه نزدیک به شما و خواه دور، از یک کران زمین تا کران دیگر، تسلیم او مشوید و سخنش را گوش مگیرید.

۱. التّغابن / ۲

۲. الممتحنة / ۴

۳. لاویان ۱۶: ۲۴

چشمان شما بر او شفقت نکند و دل بر وی مسوزانید و او را پنهان مکنید. بر شماست که او را بکشید. نخست، خود دست به کشتنش دراز کنید، و پس از شما، تمامی جماعت. او را سنگسار کنید تا بمیرد، زیرا بر آن شد که شما را از یهوه خدایتان که شما را از سرزمین مصر، از خانه‌ی بندگی، بیرون آورد، منحرف سازد. و چون قوم اسرائیل جملگی بشنوند، خواهند ترسید، و دیگر بار کسی در میان شما مرتکب این شرارت نخواهد شد»^۱ و در انجیل آمده است: «گمان مبرید که آمده‌ام تا تورات و نوشته‌های پیامبران را نسخ کنم؛ نیامده‌ام تا آن‌ها را نسخ کنم، بلکه آمده‌ام تا تحقیقشان بخشم. زیرا آمین، به شما می‌گویم، تا آسمان و زمین زایل نشود، نقطه یا همزه‌ای از تورات هرگز زایل نخواهد شد، تا اینکه همه به انجام رسد. پس هر که یکی از کوچک‌ترین این احکام را کم‌اهمیت شمارد و به دیگران نیز چنین بیاموزد، در پادشاهی آسمان، کوچک‌ترین به شمار خواهد آمد. اما هر که این احکام را اجرا کند و آن‌ها را به دیگران بیاموزد، او در پادشاهی آسمان بزرگ خوانده خواهد شد»^۲ و آمده است: «آمین، به شما می‌گویم که تمام گناهان انسان و هر کفری که بگوید آمرزیده می‌شود؛ اما هر که به روح القدس کفر گوید، هرگز آمرزیده نخواهد شد، بلکه مجرم به گناهی ابدی است»^۳. بنابراین، یهودیان و مسیحیان اگر به راستی یهودی و مسیحی باشند، نمی‌توانند اسلام را دینی خطرناک بیندارند، بل تنها کسانی می‌توانند که به هیچ یک از ادیان الهی باور ندارند و آنان ملحدانند که خود را مدافعان حقوق بشر می‌شمارند و در این پوشش، برای گسترش الحاد در جهان زمینه‌سازی می‌کنند.



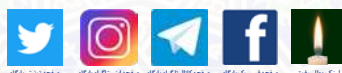
پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصورها شیخ خزانه‌ای
 جیش ایچکوفه بریندشها



۱. تثنیه ۱۱-۶: ۱۳
۲. متی ۱۹-۱۷: ۵
۳. مرقس ۲۹ و ۲۸: ۳

www.alkhorasani.com

پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصورها شیخ خزانه‌ای حفظه الله تعالی



* لطفاً بر روی لینک مورد نظر خود کلیک کنید.